

انتشارات معلمان پیشکام

آموزش و پرورش و تحول اجتماعی در زیمبابوه



آموزش و پرورش و تحولات اجتماعی

در

زیمبابوه

آموزش و پرورش و تحولات اجتماعی در زیمبابوه

مشکلات آموزشی که زیمبابوه با آن مواجه است ، هم از نظر زیربنائی و هم از لحاظ منابع فرهنگی ، با مشکلات کشورهای اشغالی چون موزامبیک و گینه بیسائو در مبارزه برای کسب آزادی و توسعه توأم با استقلال ، متفاوت است . در این بررسی که از طرف " اتحاد ملی آفریقائی زیمبابوه " - " ZANU " (۱) توسط دکتر ناتان شامویاری انجام گرفته و بنام جبهه میهن پرستان به سمینار " راه حل های آموزشی " برای کشورهای جنوب آفریقا " تقدیم شده ، بررسی های گسترده ای در زمینه شرایط آموزشی در زیمبابوه از آغاز تا به امروز بعمل آمده است . این بررسی از آغاز استعمار و نقش مینسویونها شروع شده و با ارائه استراتژی نوینی برای گسترش تعلیم و تربیت در زیمبابوه مستقل خاتمه مییابد . در این زمینه ، عناصر اساسی سیاست های آموزشی " زانو " که در طول پانزده سال گذشته بتدریج تکامل یافته است در پنج سال اخیر همراه بارشده مبارزه مسلحانه آهنگ سریعتری یافته است ، ایجاد تغییر و تحول هرچه سریعتر فکری در مردم زیمبابوه ، از طریق ارائه برنامه های آموزشی قاطعی میباشد که هدف آنها پرورش انسانی جدید با ویژه گیهای چون یاد آوری تخصص ، انکاء بخود و همراهی و همگامی در کلیه زمینه های زندگی ملی است .

در مکتب فکری " تجارت آزاد " انگلیس ، به رهبری سیسیل جان رودس و جوزف چمبرلن ، استعمار تجارتنی خوب و پرمفعت قلمداد گردید و مکتب

* (۱) *The Zimbabwe African National* اتحاد ملی آفریقائی زیمبابوه بر رهبری رابرت موگابه دارای ایدئولوژی مارکسیستی است .

"بشر" دوستی "براساس باصطلاح" رسالت تمدن " به توجیه آن
برخواست . لرد باکستون مامور عالیرتبه انگلیسی در افریقای جنوبی در
۱۹۰۹ ، از پیشگامان مکتب " بشردوستی " یک آفریقای متمدن و مسئول را
چنین توصیف می نماید . :

" کسی که بجای کلبه درخانه ای آجری زندگی می کند ، عادتاً
سرکار می رود ، لباس اروپائی می پوشد و از دستمال تمیز استفاده می
کند . بطور مرتب به کلیسا رفته و دین خود را نسبت به آباء و
اجدادش ادا می نماید ، همسروی فرزندان شراد را کالسکه حمل نموده
و آنهارا به شیوه اروپائی تربیت می کند . انگلیسی را بسیار روان
می نویسد و صحبت می کند ، درآمدی معادل ۱۰۰ / پوند استرلینگ
(که در زمان خود رقم قابل ملاحظه ایست) دارد . ارزش دارائی
های غیر منقول وی معادل یک هزار پوند استرلینگ است . پیاده
رفت و آمد نمی کند و همواره می تواند توسط دو تن اروپائی که وی را
خوب می شناسند ، در مقام کسی که رفتار و عادات زندگی بوی خود
راها کرده است ، مورد تائید و توصیه قرار گیرد . "

این بیان معرف نظراستعمارگران اروپائی است اما " اتحاد ملی
آفریقای زیمبابوه " که بخشی از جبهه میهن پرستان متعلق به جنبش
آزادبخش زیمبابوه است نظری کاملاً " متفاوت دارد و دریکی از اسناد
مربوط به توضیح خط مشی سازمان چنین بیان شده است :

" امپریالیستها ، میراث ارزنده فرهنگی ما را از طریق فیسم ،
ادبیات ، رسانه های گروهی ، مدارس و کلیساها ، بی رمق و
حقیر کرده اند . آنها خلق ما را در مرداب سردرگمی های احساسی و
روحی غوطه و رساخته اند . اکثر مردم ما اکنون بر سردر راهی قرار
دارند . آنها فرهنگ غرب را درست و فرهنگ خود را نادرست و عقب
افتاده می پندارند و این روندی ذهنی است که نتیجه سالها هجوم

شدید فرهنگی بوده و باعث از دست رفتن میراث فرهنگی
ماگشته است . در زیمبابوه مستقل ، سخت کوشش خواهد شد
تا اصالت ملت را بار دیگر بآن بازگردانند . مردم برای بازسازی
فرهنگ کشور خود که ریشه در تاریخ و میراث غنی گذشته دارد ،
کمک خواهند شد تا جنبه های سالم فرهنگ بیگانه را با فرهنگ
بومی خود آمیخته و بنحوی آنرا بهبود بخشند که بانیازهای
یک کشور سوسیالیستی انطباق یابد . کشور ما ، همان اندازه که
نیازمند استقلال سیاسی و اقتصادی است ، ناچار از استعمار
زدائی ذهنی نیز هست . "

در این مقاله ، این دو نظریه متضاد مورد بحث قرار خواهد
گرفت . بخش اول به ارزیابی چگونگی تاثیر آموزش و پرورش غرب بر جامعه
آفریقائی زیمبابوه می پردازد و بخش دوم به بحث پیرامون چاره اندیشی
ها و جهت تغییر و تحولات اجتماعی که بطور اخص توسط " زانو " و بطور اعم
توسط جبهه میهن پرستان تجربه شده است خواهد پرداخت .

اصولا " یک نظام سیاسی باشالوده و زیر ساخت اقتصادی
مشخص الگوی تولید ، توزیع و مصرف کالاها در داخل یا صدور آنها بمنظور
معامله با کالاهای دیگر یا پول نقد تعیین کننده ماهیت نظام و جامعه است .
روینا شامل دستگاه اداری ، پارلمان ، دستگاه قضائی ، مذهب ، نهاد
های آموزشی و فرهنگی چهارچوبی برای توجیه و عقلانی جلوه دادن نظام
عرضه می کند . آموزش و پرورش مهمترین عامل روینائی است که در واقع
آگاهی فرهنگی و ملی را بنامی نهاد و افکار جوانان در سنین تاثیر پذیر
را شکل می بخشد . در هشتاد و هشت سال گذشته ، ساخت اقتصادی
زیمبابوه سرمایه داری استعماری بوده است . فرآورده های کشاورزی و معدنی
و محصولات صنعتی آن ، عمدتا " به آفریقای جنوبی ، بریتانیا و ایالات
متحده آمریکا فروخته شده و در واقع با کالاهای خدماتی و سرمایه ای که تنها

۲۷۰۰۰۰/ نفر گردانندگان و ساکنین اروپایی حاکم از آن سود می برده اند
 مبادله گشته و سود آن به جیب سرمایه داران خارجی سر از برگشته است .
 امپریالیزم - شکل تجسم یافته منافع مشترک بریتانیا ، آمریکا و آفریقای
 جنوبی - معادن و صنایع کارخانه ای رازیرسلطه خویش دارد و عمده ترین
 نیروی محرک اقتصاد استعماری زیمبابوه است . ولی از نظر سیاسی دشمن
 همیشگی مردم آفریقا و مالشان باقی مانده است . اما در شرایط مشخص
 تاریخی زیمبابوه ، هفت میلیون آفریقائی در معرض استیلاء و بهره کشی
 ۲۷۰۰۰۰/ نفر ساکنین سفیدپوستی هستند که بمثابة کارگزاران امپریالیزم
 عمل می کنند . ولی در موارد خاصی منافع خودشان را بعنوان یک نیروی
 خرده امپریالیست در رابطه با ساکنان سفیدپوست آفریقای جنوبی محافظت
 می کنند . در سال ۱۹۲۳ که سرمایه های خارجی در کارخانه ها و استخراج
 معادن تمرکز یافته بود ساکنان محلی زمینها را به مصرف خود در آورده و بر
 دستگاههای دولتی کنترل موثر داشتند . آنان از قدرت سیاسی خود برای
 بیرون کشیدن سود مازاد هر چه بیشتر بشکل کار ، محصول و دام استفاده
 کردند و برای محصولات کشاورزی خود در بازار اولویت قائل شدند . پس از
 تاسیس ارتش و نیروی هوائی طی دو جنگ جهانی در صحنه داخلی از ایندو
 ابزار سرکوب برای تحمیل یک نظام دولتی استثمار کننده و ستمگر بهره
 جستند . این نظام دشمن بلا واسطه مردم آفریقا است . هدف جبهه
 میهن پرستان تغییر این نظام و از بین بردن ساختهای سیاسی ، اجتماعی
 و اقتصادی است که مدتهای مدید پشتیبان آن بوده است . همانگونه که
 بیانیه " زانو " اعلام می دارد ، لازم است ذهن مردم نیز از فرهنگ
 استعماری پاک شود . این کار وظیفه یک نظام آموزشی و برنامه ریزی نوین
 و پویا است .

حمله میسیونرها به فرهنگ آفریقائی

در شرایط استعماری زیمبابوه ، مسئولیت آموزش مردم آفریقا

میسوونرهای که نماینده فرقه های مختلف مسیحی بودند ، برعهده داشتند ، آنها ۹۰ درصد مدارس را اداره می کردند و اکثر رهبران آفریقائی در این مدارس تعلیم می گرفتند . سابقه تاریخی این مدارس به دوران اشغال برمی گردد . یعنی زمانی که سیسیل جان رودس بنیانگذار دولت مستعمراتی ، برای تماس گرفتن ، سازش دادن و گمراه ساختن رهبران آفریقائی ، از میسونرها استفاده می کرد . ت . او . رنجر (۱) می نویسد :

" پس از سرکوبی قیامهای سال ۱۸۹۸ ، نوعی یورش به میسونهای اعزامی بچشم می خورد . هیچ مطالعه دقیقی در مورد این پسر مدرسه ایها و ازدین برگشتگان شونا (۲) صورت نگرفت . دست پروردگان این نوع آموزش مسیحیت در سالهای ۱۹۳۰ رهبری جنبش سیاسی آفریقا را در روزیابدست گرفتند .

درواقع ، اولین رئیس کنگره بومیان جنوب رودزیا که در سال ۱۹۳۴ تشکیل شد آرون جاٹ ، پرورده یکی از این مدارس میسویی بود که سرانجام نیز به عضویت پارلمان تحت سلطه سفیدپوستان فدراسیون آفریقای مرکزی درآمد . جانشین او بعنوان رئیس کنگره در سال ۱۹۴۶ عالیجناب ت . د . سامکانج (۳) بود که علاوه بر آن ، ریاست کنفرانس هیئت میسونری رانیز برعهده داشت . این کنفرانس جدا از کنفرانس تحت نفوذ سفید پوستان بود که از طرف حکومت مهاجران بعنوان بلندگوی مردم آفریقا ، برسمیت شناخته شده بود . این هیئت های مذهبی بخش مکمل مهاجران ، استعمارگر شمار می رفتند . بخصوص که زمین و پول مورد نیاز برای ایجاد مراکز تبلیغی راهمیس مهاجران تامین می کردند . چنانکه یک سخنران در جلسه افتتاحیه کنگره ملی آفریقا در سپتامبر ۱۹۷۱ گرفته است :

* (۱) T. O. Ranger.

* (۲) SHona به کشاورزان ساکن زمینبوه و موزامبیک گفته میشود .

* (۳) T. D. Sankange

آنها را ما خوا، تند که برای صلح دعا کنیم . وقتی چشم باز کردیم
آنها زمین داشتند و ما انجیل . "

میسونی ، دولت مهاجران برای نابودی نهادهای فرهنگی و سنتی آفریقا
با یکدیگر متحد شدند . میسونری ها نظام آموزش غیررسمی را که نسل ها بر
طبق آن عمل شده بود ، منهدم ساختند و نظام آموزشی استعماری خود را -
جایگزین آن نمودند و دولت رهبران صدیق شونا و انده بل (۱)
را از کار برکنار می کرد و یابنحوی بقتل میرساند . ارزشهای غیررسمی که جوانان
شونا و بنل (۲) را برای ایفای نقششان در جامعه پرورش میداد از طرف متخصصین
برجسته فرهنگی برسمیت شناخته شده است . کودک در ارتباط با والدین خود
و افراد جامعه اش آموزش می دید و آگاهی مییافت و بخش عمده آموزش او را -
تحصیل مهارت های تولیدی تشکیل میداد .

در هر دو جامعه شونا و بنل آموزش غیررسمی بموازات گسترش
مهارت ها ارزشهای مانند وفاداری ، وحدت و احترام به بزرگترها یا کسانی که
در یک سازمان در مرتبه بالاتر از شخص قرار دارند به افرادی آموخت . از سن
ابتدائی به کودک می آموزند که با دیگران ، چه آنها که زنده اند و چه آنها که
مرده اند ، رابطه درستی برقرار سازند . در فلسفه شونا و انده بل اتحاد
و منافع جامعه بطور کلی نکته اساسی و مرکزی بحساب می آید . مالکیت زمین
گروهی بود ، هر چند استفاده از زمین و چراگاه بصورت فردی انجام میپذیرفت
در زمینه گله داری و کشاورزی تنها کار خانوادگی میتوانست مورد بهره برداری
قرار گیرد و در مورد آنچه که در دسترس همگان قرار داشت ، بر روی مشارکت هر
چه گسترده تر تاکید میشد .

هم چنانکه در صفحه ۵۸ بیانیه " زانو " اشاره شده است ،
سیاست آموزشی نوین مابده دوران آموزش غیررسمی که در جامعه فئودالی
شونا و انده بل معمول بود ، باز نخواهد گشت ، بلکه سعی خواهد شد
ویژه گیهای مثبت این نظام با ویژه گیهای مثبت نظام آموزشی خارجی در

(1) Ndebeles

(2) Benel

هم آمیخته شود و سیاستی ارائه گردد که مردم را برای زندگی در زیمبابوه سوسیالیستی آماده کند. برای مثال، مانقش خدمتکارانه زن در جامعه سنتی شونا و انده بل را ادامه نخواهیم داد. زنان جامعه نوین زیمبابوه باید کار کنند و با توجه به حقوق ویژه شان در تولید شرکت نمایند و همانند مردان آزاد باشند. زنان زیمبابوه حقوق خود را بعنوان شهروندان آزاد و - متساوی الحقوق زیمبابوه، و بعنوان رزمجویان و رفقای همگام در جنگ مسلحانه بر ضد دشمنان ملت بدست آورده اند.

نیروی کار ارزان برای کشتزارها

هدف اصلی آموزش مستعمراتی فراهم کردن نیروی کار ارزان و کافی برای کشتزارها، معادن و صنایع کارخانه ای در حال رشد بود. اقتصاد کشاورزی به تعداد زیادی کارگر ارزان، بخصوص در بحبوحه کاشت و درو نیاز دارد. معادن زیمبابوه هم عموماً "نیازمند کاریدی فراوان بود. زیرا این معادن نسبت به معادن آفریقای جنوبی کوچکند و هم چنین مقدار سنگ های معدنی نیز به نسبت کم است. بعلاوه وجود نیروی کار ارزان - صنایع کارخانه ای تمایل بیشتری به تمرکز صنایع کاربر (۱) در مقایسه با صنایع سرمایه بر (۲) نشان داده اند. در نتیجه سیاستها و برنامه های آموزشی دولت مهاجران در خدمت تامین نیروی کار ارزان مورد احتیاج ترین بخش های اقتصاد بود که مراتب پایین خدمات دولتی را نیز در بر می گرفت.

نظام آموزشی، آماده تولید این نیروی کار ارزان از طریق تامین آموزش دبستانی نسبتاً معتبر بود. اداره آموزش آفریقای دولت مهاجران ادعا میکند که از هر پنج نفر کودک آماده به تحصیل چهار نفر مشغول درس خواندن هستند. این ادعا شاید درست باشد، زیرا سطح سواد زبان بومی ۴۰٪ و انگلیسی ۲۰٪ است. صنایع کارخانه ای که در دوره پس از جنگ جهانی رشد و توسعه یافت نیازمند کارگرانی است که قادر به خواندن و

(1) *Labour Intensive*

(2) *Capital Intensive*

نوشتن ساده انگلیسی برای اجرای کارهای ماشینی لازم جهت تولید باشند. ولی به دلایل سیاسی و اقتصادی، آگاهانه و مصرانه از توسعه آموزش متوسطه جلوگیری شده است. نمودار ارائه شده از طرف دانشمند برجسته زیمبابوه، برنارد. ت. ج. چیت زرو (۱) که در صفحه بعد مشاهده میشود بروشنی نشان میدهد که چگونه همزمان با گسترش آموزش ابتدائی، از توسعه آموزش متوسطه جلوگیری شده است. مقایسه این وضع با هرم آموزش اروپائی در نمودار قابل توجه است. از هر ۱۰۰۰ کودک آفریقائی که بمدرسه ابتدائی وارد می شوند تنها یک کودک میتواند امید رفتن بمدرسه متوسطه را داشته باشد.

نمودار

(1) Bernard . T. G. Chidzero

برنامهٔ درسی دورهٔ ابتدائی تأکید بسیار بر آموزش صنعتی در مقابل آموزش ابتدائی دارد. این سیاست و نیز توسعهٔ صنعت در دورهٔ بعد از جنگ، نیروی کار عظیمی را در کشور بوجود آورده است. معاش ۹۵۵/۰۰۰ کارگر، یعنی $\frac{1}{7}$ جمعیت یا $\frac{1}{3}$ جمعیت بزرگسالی که به کار در شهرهای مزارع اشتغال دارند، به مزد روزانه شان بستگی دارد. تخمین زده می شود که کلاً " $\frac{1}{3}$ جمعیت شهرنشین است ولی علیرغم اینکه جمعیت تا به این درجه شهری و پرولتریزه شده است. اقدامات و اعمال تبعیض آمیز دولت، راه پیشرفت آنرا بطور جدی سد کرده است. کارهای نظیر سرو کردن غذا و نوشابه در ترن، و یا حروف چینی در چاپخانه ها که میتوانست توسط فارغ التحصیلان دورهٔ ابتدائی انجام گیرد، همواره در انحصار اروپائیان است. تا سال ۱۹۶۲ هیچ آفریقائی نمیتوانست تعلیم حرفه ای ببیند و تا سال ۱۹۶۱ نیز هیچ آفریقائی نمیتوانست وارد ادارات دولتی شود. از آن بعد هم تعداد بسیار کمی از آفریقائیهابه کارهای تخصصی یا مراحل بالاتر خدمات دولتی جذب شده اند.

فعالیت های اتحادیه ای را شدیداً محدود ساخته اند. تشکیل اتحادیه های خلقی که توان بسیج و سیاسی نمودن کارگران را داشته و بتواند آنها را به حقوقشان آشنا ساخته، سطح آگاهی شان را بالا ببرد، غیرممکن است. علیرغم اینکه درصد بزرگی از باسوادان را فارغ التحصیلان دورهٔ ابتدائی تشکیل میدادند از اجرای برنامه های سوادآموزی و آموزش توده هادرست بهمین دلیل جلوگیری میشد. مشکل بیکاری بویژه در میان فارغ التحصیلان مدارس اینه ابعاد بسیار بزرگ و جدی رسیده است. از ۶۸۶۱۴ نفر که مدارس ابتدائی را در سال ۱۹۷۵ بپایان رساندند، فقط ۷۸۳۱ نفر در مدارس متوسطه و عالی ۵۳۳۷ نفر دیگر در مدارس حرفه ای پذیرفته شدند. از میان ۵۵۴۴۶ نفر بقیه معلوم نیست که چند نفر کار پیدا کردند و دولی یقیناً " نمیتوانند تعداد زیادی -

باشند. زیرا از تعداد کل شاغلین آفریقائی در همان سال ۷۰۰۰ نفر کاسته شد.

بررسی زندگی چند افریقائی که تحصیلات متوسطه را در سال ۱۹۷۵ تمام کردند نشان داد که فقط ۱۱/۶ درصد آنها، ۶ ماه پس از ترک مدرسه، کار مطمئنی بدست آوردند، ۵۰٪ بیکار ماندند و ۲۵/۶ درصد سعی کردند که از طریق رشته های مکاتبه ای ادامه تحصیل دهند. بارش آگاهی شاگردان، چندین هزار نفر از آنان بخاطر بیایس از ادامه تحصیل در نظام آموزشی که تا بدین حد تبعیض آمیز است و هیچ گونه فرصتی برای دست یابی به مشاغل مناسب را به افرادی نهد، مدارس خود را ترک کرده اند تا به نیروهای PIZA پیوسته و در نبرد استقلال طلبانه فعالانه شرکت نمایند.

وزیر آموزش آفریقائی در رژیم اسمیت در سال ۱۹۷۷ گفت:

۳۹۸ مدرسه ابتدائی با ۷۴۰۰۰ شاگرد و ۱۴ مدرسه متوسطه با ۳۶۸۵ شاگرد در نتیجه فعالیت های چریکی بسته شده اند. هم چنین یادآور شد که تعداد قابل توجهی از مدارس ابتدائی و متوسطه اروپائی در سال ۱۹۷۷ بخاطر مهاجرت اروپایی ها و کاهش میزان جمعیت آماده به تحصیل اروپائی تعطیل شده اند، اما در این مورد ارقامی ارائه نداد. بسیاری از شاگردان مدارس ابتدائی و متوسطه و دانشگاهها، که زیمبابوه را برای پیوستن به صفوف نیروها PIZA ترک کردند، مسیر جنگ آزادیبخش ملی را قاطعانه بنفع جنبش رتوده های بیکار گرتغییر دادند. شمار زیادی از شاگردان یکی از مدارس در حال خواندن سرودی که توسط یکی از آنها در راه تصنیف شده بود یکی از مراکز پذیرش زانو واقع در موزامبیک وارد شدند و این خود نمایشگر سطح آگاهی و عزم راسخ آنها بود.

سلامت باشید، پدر و مادر

به جنگ رفته ام

جنگ برای آزادی زیمبابوه

عهد بسته ام که برای زیمبابوه بمیرم

که در راه توده ها بمیرم
خون مرا آنجا بیابید
آنجا زیر پرچم زیمبابوه
(ترجمه شده از یک آهنگ شونائی)

امپریالیزم و آموزش

انحصاراتی که اقتصاد رودزیا را در کنترل دارند علاقه شدیدی به آموزش نشان داده اند . صاحبان مزارع ، برای جلب و نگاهداری کارگران در مزارعشان مدارس دهقانی تاسیس می کنند . لیکن ۱۰۵ شرکت چند ملیتی که در صنایع کارخانه ای سرمایه گذاری کرده اند نیازمند کارگران ماهرتری باشند . شرکت های چند ملیتی سهم خود را در اقتصاد رودزیا بعد از جنگ دوم افزایش دادند . کمبود مواد خام در اروپا و نیواز انگلستان به ذخیره دلار تقاضای مداومی برای کالاهای رودزیائی بوجود آورد . هجوم سریع مهاجران (۴۷۱۸۷ نفر بین سالهای ۱۹۵۱-۱۹۴۶) تقاضای داخلی را که برنامه آموزش هوائی کشورهای مشترک المنافع و صنایع فرعی در طول جنگ پدید آورده بود افزایش داد .

رونق اقتصادی ، سرمایه های خارجی آفریقای جنوبی را پس از پیروزی حزب ناسیونالیست در ۱۹۴۸ و سرمایه های انگلیس را بعد از استقرار اتحادیه در سال ۱۹۵۱ ، بسوی خود جلب کرد . سرمایه گذاری - خارجی در رودزیا از ۱۳/۵ میلیون دلار در ۱۹۴۷ به ۵۰/۷ میلیون دلار در سال ۱۹۵۲ رسید . بخش عمده این سرمایه به صنایع کارخانه ای و نه به بخشهای سنتی استخراج معدن و کشاورزی اختصاص یافت . در سالهای ۱۹۵۰ صنایع کارخانه ای بصورت رشد یابنده ترین بخش اقتصادی درآمد . این توسعه ، منافع کارخانه داران را در کشور و نفوذ امپریالیزم را بر ساکنین محلی افزایش داد .

میسونی بنام کارفیلر تاد در ۱۹۵۴ نخست وزیر شد و کابینه‌ای
باشرکت دو وزیر بانفوذ از بولاوایوه که سرمایه زیادی در صنایع
کارخانه ای شهر داشتند، تشکیل داد. دولت تاد تحت نفوذ سرمایه های
صنعتی و شرکتهای چند ملیتی قرار داشت. در سال ۱۹۵۵ این دولت یک
طرح آموزشی ۵ ساله برای آفریقائیان تصویب کرد که اهداف آن بشرح زیر
بود:

— تدارک برنامه ای با حداقل ۵ سال آموزش ابتدائی برای تمام بچه های
افریقائی

— افزایش تعداد آموزگاران مدارس ابتدائی از $\frac{1}{4}$ به $\frac{2}{3}$ نیروی
آماده تدریس بادیکن یک دوره دو ساله آموزشی

— افزایش تعداد مدارس متوسطه، ۲ تا ۴ سال آموزش فنی و بازرگانی
— تاسیس یک کالج فنی برای تربیت معلم

— تاسیس یک دارالفنون

تاد کوشید فرصت هائی را برای آفریقائیان بوجود آورد تا آموزش حرفه ای
را فراگیرند. اما این امر به شدت با مخالفت اتحادیه های سفیدپوستان
مواجه گشت. او هم چنین سعی نمود که حق رای را توسعه بخشند.
امریالیسم تمامی این اصلاحات را باهیجان تعقیب می کرد. امانمایندگان
سفیدپوستان مهاجر بخصوص اتحادیه کارگران کشاورزی که بالاخره جبهه
رودزیا را در سال ۱۹۶۳ بوجود آوردند، این اصلاحات را رد کردند.

در سال ۱۹۶۵، جبهه رودزیا طرح تاد را لغو کرد و به سیاست
قدیمی تکیه بر آموزش صنعتی بازگشت. طرح آموزشی جدیدی عرضه کردند
و بار تامين مالی آموزش آفریقائیان را باوضع شهریه، ازدوش دولت بدوش
خانواده های فقیر انداختند. مسئولیت آموزش ابتدائی را به شوراهای
دولتی واگذار کردند. از میان دانش آموزانی که آموزش ابتدائی را بپایان
می رسانند، تنها یک سوم به آموزشگاههای حرفه ای محلی راه می یافتند.

و مدرک مربوطه را اخذ می کردند و تنها ۱۲/۵ درصد به دبیرستان رامیافتند . این تعداد محدود ، نیروی انسانی لازم برای امور اداری ، رفاهی و عمرانی را تامین می نمود . بخش اعظم منابع آموزشی صرف تربیت کارگزارانی برای مشاغل جزء ، مزارع ، معادن و کارخانجات مجاور زمین های قبیله ای می شد . جایی که اغلب افریقائیان زندگی می کردند . مدارس حرفه ای که طی برنامه تاد بوجود آمدند در لوووا (۱) و مزینگوار (۲) بسته شدند .

برنامه تاد و برنامه اسمیت هیچیک از عهده تامین نظام آموزشی مناسب برای زیمبابوه برنخواهند آمد ، اما باید یادآوری کنیم که امپریالیسم طرح تاد را ترجیح می داد زیرا خود نیازمند نیروی کار ماهری بود که بتواند ماشین آلات جدید را بکارگیرد و حتی شعب محلی شرکت های چند ملیتی را اداره کند .

تمایل امپریالیسم به کار کردن با افریقائیان بومی و حتی تظاهر باینکه کنترل کارخانجات را بآنها واگذار نماید ، در دهه ۱۹۵۰ کاملاً مشهود بود . حال بلحاظ تهدیدهای فزاینده جنبش های آزادیبخش امپریالیسم دست بطرح استراتژی و تاکتیک های جدیدی زده است و سعی بر آن دارد که رهبران جنبش های آزادیبخش را اغفال کند . اما هدف اصلی آنها بلا تغییر باقی مانده است .

چاره جوئی ها و چشم اندازهای آینده

آموزش و پرورش چگونه در جهت تامین نیازها و خواسته های مبارزه و ضروریات استقلال که بدنبال آن خواهد آمد ، جهت داده خواهد شد ؟ بنیاد اصلی در بیانیه سیاست های " زانو " در زمینه آموزش چنین میگوید :

" زانو آموزش را برای کلیه گروههای واجد شرایط سنی دبستانی ، اجباری خواهد کرد و نیز آموزش بزرگسالان را تامین نموده و به ایجاد مراکز فنی و حرفه ای دست خواهد زد .

(1) Luweve

(2) Mzingwane

پاره ای معیارهای آموزشی که تاکنون تنها در انحصار قشرهای ثروتمند جامعه بوده است ، در مورد همگان اعمال خواهد شد . این امر دورنمای جدیدی را در مقابل دانش آموزان میهن محبوب ما خواهد گشود .

آموزش نظری دبستانها ، کالج های فنی و دانشگاهها ، با آموزش عملی همراه شده و در جهت خدمت به توده های وسیع بکار گرفته خواهد شد . آموزش ابتدائی کارگران و دهقانان برای کمک به افزایش مهارت ها و امکانات آنان و نیز از بین بردن بی سوادی تا مین خواهد شد .

با توجه به تجزیه و تحلیل بخش اول این مقاله و نیز سیاست های

آموزش که در بالا به آن اشاره شد ، واضح است که زیمابوه از کلیه اعمال تبعیض نژادی دوران استعمار در کلیه زمینه های فعالیت از جمله آموزش رها خواهد شد . مدارس مجزا ، لوایح قانونی مربوط به حقوق اختصاصی و انواع مقررات تأمینتی برای اقلیت ها که در موافقت نامه سوم مارس ۱۹۷۸ - بین رژیم اسمیت و سه رهبر دست نشانده و سازمانهای داخلی کشور در نظر گرفته شده است . در زیمابوه واقعا " آزاد و مستقل ملغی خواهد شد ساکنین سفید پوست ، بدون ادعای امتیاز یا برخورداری از حمایت خاص به عنوان یک اقلیت نژادی ، نظیر هر شهروند زیمابوه حق زندگی در زیمابوه آزاد را خواهند داشت . آنها آزاد خواهند بود که مهارت ها و دانش خود را در خدمت توسعه کشور و افزایش ثروت ملت بگذارند . ما از این امر استقبال می کنیم و به آنها نظیر هر شخص دیگری بسته به ارزش کارشان حقوق پرداخت خواهد شد . فرزندان شان آزاد خواهند بود که نظیر دیگر فرزندان زیمابوه در مدارس ، کالج ها و دانشگاهها حضور یابند . البته مشروط بر آنکه ، آنان هیچ گونه امتیاز خاصی که در مورد فرزندان دیگر نژادها و رنگها اعمال نمی شود طلب نکنند .

" زانو " عملکرد کلیسا و دولت ادر مورد آموزش از هم جدا میکند . مدیریت و تدریس در تمام مدارس ، کالج ها و دانشگاهها تحت نظارت متمرکز یک وزارت خانه قرار خواهد گرفت و کلیه شهروندان فرصت

عادلانه ای داده. خواهد شد تا از آموزش متناسب با توان شان برخوردار شوند. فرقه بازی در مدارس ملغی خواهد شد. کلیسا ها اجازه خواهند داشت که جلسات وعظ داشته باشند و نوآئینان از آزادی کامل اعتقادات برخوردار خواهند بود مشروط بآنکه به حقوق دیگران - لطمه نزنند و به ضدیت با آئین و ایدئولوژی دولت برنخیزند.

معلمین بدون ازدست دادن پایه و یامزایای خود، در زمره کارمندان دولت در خواهند آمد و مدارس جزو اموال دولت محسوب خواهد شد. به هزینه های آموزشی و سرمایه گذاری در این زمینه، بمنظور افزایش تسهیلات مدارس برای کلیه اهالی زیمبابوه، بالاخص در سطح دبیرستان و کالج های فنی، اولویت داده خواهد شد. آموزش بزرگ سالان و سوادآموزی برای ریشه کنی بیسوادی، در تمام کشور بویژه - مناطق روستائی آغاز خواهد شد. آموزش علوم و ریاضی که در حال حاضر در مدارس آفریقا، بآن کم بهاء داده شده است، مورد تاکید زیاد قرار خواهد گرفت. دو کالج فنی بسیار خوب وجود دارند یکی پلی تکنیک سالیسبوری و دیگری پلی تکنیک بولاوایو که صرفاً بخاطر دلائل سیاسی و نژادی پذیرش سیاهان در آنها بسیار محدود بوده است. این قبیل مدارس که در مالکیت شرکتهاست، دبیرستانهای خاص اروپائیان و مدارس ابتدائی متعلق به بنیادهای خصوصی، کلیساها و ایانجمن والدین تماما" به مالکیت دولت در خواهد آمد و بروی کلیه مردم زیمبابوه گشوده خواهد گشت. بطور خلاصه آموزش در جهت تامین نیازهای توده های وسیع زیمبابوه، بخصوص کارگران و دهقانان قرار خواهد گرفت. نامهارت های شغلی خود را بهبود بخشند و باین وسیله بتوانند بیشتر تولید کنند و از طریق آموختن، خواندن و نوشتن و ایجاد ارتباط با دیگران زندگی بهتری داشته باشند. نیل به هدف های فوق زمانی که قدرت به جنبش های آزادی بخش که نماینده راستین مردم

زیمبابوه است ، منتقل گردد. چندان مشکل نخواهد بود و آنها اراده و توانائی آن را خواهند داشت که آموزش را در سطح روبنائی ، بعنوان وسیله ای برای تحول اجتماعی و آزادی ونه برای تسلط بر دیگر گروهها و نژادها ، بکارگیرند . البته تحول اجتماعی با تغییرات بنیانی نظام اجتماعی - اقتصادی که از طریق برنامه ریزی دقیق و منظم صورت میگردد ، منطبق خواهد شد . اما کافی نیست بگوئیم زمانی که قدرت را در دست گرفتیم ، چه خواهیم کرد . ما اکنون به اختصار تلاشهایی را که بمنظور رفع نیازمندیهای مبارزه کنونی در جریان است شرح میدهم .

جنگ آزادیبخش ، مدرسه ای وسیع

هدف اصلی جنگ آزادیبخش ملی اخیر ، درهم کوبیدن کلیه نهادها و ساخت های جامعه مستعمراتی و جایگزینی آن با فرم و ساختی است که بیان کننده دوران جدید آزادی باشد . طبیعتاً "نظام آموزشی که آفریقائیان را برای خدمت به حکام محلی و اربابان استعمار تربیت می کرد و در بالا مختصراً" بدان اشاره شد باید ریشه کن شود . ولی روند انهدام یک روند آموزشی را که نظام فکری مردم را در طی سالها پرورده ، تدریجی و مشکل است ، این روند در بیست ونهم آوریل ۱۹۶۶ ، باشلیک اولین گلوله های جنگ رهائی بخش در سینویا (۱) آغاز شد و همچنان برزرفا و گستردگی آن افزوده میشود . این جنگ خود ، به مدرسه ای بزرگ و پهنآور برای بازآموزی و تجدید تربیت مردم زیمبابوه تبدیل شده است .

هرچند که جنگ سینویا در آوریل ۱۹۶۶ و جنگهای بعدی که در سه سال بعد روی داد ، نقطه شروع مهمی بشمار می رفتند ، ولی یکی از محدودیتهای مبارزین این بود که در خلاء بادشمن رو برو شدند .

(۱) Sinoia

همچنانکه جوسیاتانگوگارا ، مسئول دفاع " زانو " در مصاحبۀ اخیرش در " اخبار زیمبابوه " (مارس - آوریل ۱۹۷۸) ، ارگان اطلاعاتی " زانو" بروشنی بیان کرده است ، مابین نبرهارادقیقا تجزیه و تحلیل نموده و اوضاع را مورد ارزیابی مجدد قرار دادیم . بعدها در ۱۹۶۹ ، استراتژی دیگری اتخاذ کردیم که مستلزم دوره آمادگی و آموزش سیاسی طولانی تر بود . نبرد تاریخی شمال شرقی رودزیا در ۱۹۷۲ آتش خاموش نشدنی انقلابی راشعله و رساخت که اکنون تمام کشور را فرا گرفته است . در این نبرد ، پیش از آنکه اولین گلوله در ۲۵ سپتامبر ۷۱ شلیک شود مبارزین بمدت یکسال تمام در میان دهقانان و کارگران در مناطق کشاورزی مهاجران ثروتمند بنام سنتناری (۱) کار کردند . ارتش نیرومند و پولیس کمکی که به آنجا فرستاده بودند در مقابلۀ بامبارزین راه آزادی شکست خوردند و از آن بعد دست از این منطقه کشیده و آنرا هاساختند ، در ژوئیه ۷۲ یان اسمیت رهبر مهاجران خطاب به پارلمان خود گفت که آنها اکنون با چریکهای جدید و خطرناکی روبرو هستند که بانبروهای امنیتی ، نمی جنگند ، بلکه به هیئت کشاورزان در میآیند و اذهان کشاورزان بی گناه را موش می کنند . او گفت به دهقانان داستانهای از گذشته شان ، نقل میشود که با واقعیت های معلوم جور در نمی آیند . اسمیت تکرار کرد که مدت زیادی از وقت نیروهای امنیتی ، صرف مهار کردن شرائطی میشود که چریکها بوجود آورده اند و این گفته ، خلاصه تاثیر آموزش سیاسی در جنگ آزادی بخش ملی است . جوهر برانگیختگی و افزایش انگیزه خلق تحت ستم در مبارزه علیه نیروهای سرکوبگر ، همین است .

بگفته صدر مائو رزمندگان در میان دهقانان باید همچون ماهی در میان آب در حرکت باشند . برای رسیدن باین مرحله باید ابتداء دهقانان از سطح بسیار بالای آگاهی سیاسی و ملی برخوردار شوند و

دشمنان را بمنابه منشاء ستم و استثماري که بر آنان ميرود بشناسند و بايد اين حقيقت را پذيرند که جنبش آزادي بخش براي رهائي واقعي آنها فعاليت مي کند. علاوه بر اين آگاهي ، بايد براي رسيدن به آزادي و سرنگوني دشمني که سرچشمه ستم ديدگي آنهاست از صرف نيرو و امکانات وحتى زندگي خود ، دريغ نوزند .

درک دهقان از نقش خود در مراحل مبارزه و نيز شناخت درست دشمن و برقراري رابطه کاري با ديگران در جنبش آزادي بخش ، مستلزم طي بک پروسه آموزش همه جانبه است . هنگاميكه کادرهاي " زانو " که تنهابه عقايد انقلابي خود مسلح بودند در سال ۱۹۷۱ وارد منطقه سنتناري شدند ، دريافتند که بايد روزها و ماههاي طولاني کار کنند تا بتوانند اشتياق دهقانان را بمبارزه مسلحانه برانگيزند . آنها دشمن را مي شناختند و سالها ستم و استثمار را تجربه کرده بودند ، رنج آنان بر صورت يکايکشان نقش بسته بود . تنهائي دانستند چگونه براه حلهاي فوري براي رويارويي با مشکلاتشان دست يابند . در گذشته آنهايي آنکه هيچ تغييری در زندگيشان پديد آيد ، از سازمانهاي ملي گراپشتيبانسي کرده ، در جلساتشان شرکت جسته بودند ، وحتى حق عضويت نيز پرداخته و کمک مالي نيز کرده بودند . اما تغييری در زندگي آنها رخ نداده و تنهاستم وارد بر آنها افزايش يافته بود . در اينجا بود که رزمندگان راه آزادي ، توانستند مبارزه مسلحانه را بعنوان راه حل مشکل دهقانان عرضه کنند . در بسياري موارد ، در جريان بحث ما و مناظره مابين دهقانان ، اين خود دهقانان بودند که پاسخهاي درست مييافتند .

در سالهاي اخير کفتگو با اهالي زيمبابوه که در مناطق روستائي زندگي مي کنند - دهقانان کارگران مهاجر ، کارگران مزارع و شاگردان دبirstاني - در جلسات گردهم آئي هاي توده اي که در دهکده برگزار ميشود و نيز بحثهاي که بين گروههاي کوچک در ميگيرد ، ادامه يافته

است ، از میان نکات بسیاری که در این گفتگوها مطرح میشود ، اولین نکته ای که بچشم میخورد . . بخصوص در میان دانش آموزان و دانش جویان ، عطش آنها برای شناختن سوسیالیسم علمی است . بنظر میرسد که این نظریات واقعیت عملکرد استعمار را برای آنها تشریح میکند و راه حلی به آنان ارائه میدهد که خود بدنبالش بوده اند اما نمایی توانستند بروشنی آن را بیان کنند . بنابراین تهیه کتب و آثار و تشکیل مدارس " سایه درختی " ، برای بحث بیشتر درباره جزئیات این نظریات ، بمنظور روشن شدن حقایق جامعه ، استعماری رودزیا ، یکی از فعالیتهای مهم کمیسی حزب شده است . دومین نکته ای که در گفتگو با دهقانان بچشم میخورد ، اعتقاد استوار آنان به این نکته است که دشمن شکست نخواهد خورد مگر با تکیه بر فرهنگ و تاریخ گذشته مان و نیز بازگشت به مبارزه مسلحانه ای که پدرانمان در سالهای ۱۸۹۰ به آن دست زده بودند . سالخوردگان از اینکه فرزندان شان با تشریح شیوه های اروپائی و پیش گرفتن راه نیاکان رزمجوی خود به روشنائی دست یافته بودند ابراز شادمانی میکردند . این راه چیزی جز استقلال و ملیت اصیل نبود . جنبش آزادیبخش اکنون با در نظر داشتن دوهدف تواما " ، یکی دامن زدن به مناظرات ایدئولوژیک و دیگری بالا بردن آگاهی ملی ، عهده دار اداره چندین مدرسه در داخل زیمبابوه است هدف برنامه آموزشی کمیسی نه تنها آموزش طبقات تحت ستم در زیمبابوه ، بلکه عمق بخشیدن به فهم و دانش کادرهای درون جنبش نیز هست . رابرت جی . موگابه ، رهبر " زانو " در اکتبر ۱۹۰۷ خطاب به دانشجویان تانزانیا گفت که مبارزین راه آزادی ، کادرهای سیاسی نظامی بودند که برای تحقق بخشیدن به هدفهای روشن سیاسی می جنگیدند . او تاکید کرد که " زانو " تنها یک سازمان نظامی نبوده بلکه جنبشی است که در آن سیاست تعیین کننده کارگرداسلحه بوده است .

در نتیجه کمیسری یک شبکه وسیع آموزشی برای تمام کادرها ترتیب داده است که بعداً " به درودبه دانشکده چیتو برای آموزش ایدئولوژیک ختم میشود . آنچه در دانشکده واردوهای کارآموزی در داخل و خارج کشور تدریس میشود بر اهداف دوگانه ای تأکید دارد که قبلاً ذکر شده است .

جنگ آزادی بخش آموزشگاه مهم آموزش علمی و فنی است . در درجه اول کادرها چگونگی سوار کردن و حمل کردن یک یا چند تفنگ و نیز استفاده از مواد منفجره و شیمیائی رایاد میگیرند . در رودزیا این آموزشها برای افریقائیان مجاز نبوده و تنها در اختیار بچه های اروپائی است . خدمت اجباری سربازی نیز در سن ۱۶ سالگی بهمین منوال است .

پیکارگران راه آزادی برای استفاده از وسائل مانند دوربین عکاسی ، ماشین تحریر ، رادیو ، ماشین تکثیر تا وسائل پیچیده ارتباطی و انواع اسلحه ، دوره های آموزش عملی و فنی را پشت سر میگذارند . مردم زیمبابوه علیرغم آموزش محدود آکادمیک از اینگونه وسائل استفاده می کنند . البته ۱۱۵۰۰ دانش آموزی که در مدارس ابتدائی و در آنها مدرسه متوسطه ای که مادر موزامبیک ایجاد کرده ایم درس می خوانند . بعنوان بخشی از برنامه درسی آموزش فنی می بینند . این شاگردان با وسائل نظامی ساده ای که در رودزیای مستعمره در دسترس هر بچه سفید پوست مقیم رودزیای قرار دارد ، آشنا میشوند . در برنامه جدید درسی درموادی مانند تاریخ ، جغرافی و علوم اجتماعی ، بر تاریخ و فرهنگ غنی خلق های شونا و انده بل ، که زیمبابوه و سهم آنان در پیشرفت خود تأکید شده است . مادر نظر داریم بزودی موسسه زیمبابوه را در موزامبیک تأسیس کنیم . این موسسه به مردم زیمبابوه که درگیر و در جنگ هستند ، آموزش فنی و حرفه ای خواهد داد .

هدف جنگ رهائی بخش از میان بردن سیستم مستعمراتی سرمایه داری و جایگزینی آن بایک نظام نوین سوسیالیستی است .

بعبارت دیگر، شالوده اقتصادی پازیرینا پایداز شکل نظام کنونی که مبتنی بر مالکیت خصوصی و فردی و وسائل تولید است، تبدیل به نظامی شود که در آن وسائل تولید مشترکا " واجتماعا " از طریق نهادهای اقتصادی و سیاسی برگزید. از طرف مردم در مالکیت کارگران و دهقانان قرار داشته باشد. در این شرایط نقش آموزشی آنست که بعنوان عامل تغییر و تبدیل برخوردارها و ارزشهای توده مردم زیمابوه بنحوی که با تحول اقتصاد سوسیالیستی هماهنگی داشته باشد عمل کند، بنظر ما، هدف آموزش و موسسات آموزشی، ایفای این نقش حیاتی و حمایتی است. این کار آسانی نیست زیرا روئینائی که استعمار بجای می گذارد حتی مدتها بعد از اینکه استعمار و نژاد پرستی بدور انداخته شده و دولت خلقی زیمابوه ب قدرت رسیده باشد در افکار و آذهان توده، برجای خواهد ماند.

برخلاف فره لیمو مادر دوره طولانی جنبش خود، فرصت و اتحاد لازم رانداشته ایم تا بتوانیم این مسائل را در طول نبرد آزادی - بخش حل کنیم .

سیاست آموزشی نوین زیمابوه

زمانی که ما در زیمابوه قدرت را بدست بگیریم سیاست جدید آموزشی توسط رهبران جبهه آزادی بخش طرح ریزی خواهد شد. در حال حاضر فقط می توانیم طبق برنامه و سیاست جبهه آزادی بخش، قانون اساسی و جبهه میهن پرستان، " زانو " و " زایو " عمل کنیم. نخستین خلاف آشکار و مشترک هر دو جبهه نابودی و محو کامل سیستم استعماری آموزش و تمام نقصان ها و نتایج آن مثل نخیه گرائی، شعور کاذب توده کارگرو ساخت طبقاتی است. البته باویرانی نظام کنونی، کماکان میراثی از ارزشها و گرایشات ریشه دار ذهنی در نسل حاضر که به شیوه های استعماری تحصیل کرده آند، باقی خواهد ماند. این هدف اعلام شده رهبران جبهه میهن پرستان است که سیستم سوسیالیستی

حکومت ، جایگزین شکل سرمایه داری استعماری گردد .

در این مورد ، پایه اصلی سیاست آموزشی " زانو " در ۱۵ سال

اخیر بویژه در پنج سال گذشته که مبارزه مسلحانه در اوج بوده ، با سرعت

بیشتری روبه تکامل نهاده است از آن جمله تغییر هر چه بیشتر طرز تفکر

مردم ، از طریق اجرای یک سیاست آموزشی قدرتمند که هدف آن -

ساختن انسان جدیدی است که مولد ، ماهر ، متکی بخود و دارای حس

همکاری و در تمام شئون زندگی ملی قابل اعتماد باشد .

نخستین وظیفه ، تعلیم و تربیت مردمی است که خود تولید

کننده کالاهائی باشند که مورد نیاز همه افراد جامعه است . کارگران

یقه سفید و استثمارگرانی که از ثمره دست رنج دیگران زندگی می کنند

در جوامع سرمایه داری استعماری ، بعنوان یک طبقه ، پایک قشر از بین

خواهند رفت . برای تولید مواد غذایی و سایر مایحتاج مردم زیمبابوه

کار شدید ضرورت خواهد داشت . این شیوه تولید در نظام سوسیالیستی

که در آن نهادهای اقتصادی - اجتماعی از آن خود مردم باشد ، اجرا

خواهد شد . دقیق تر اینکه ، بعنوان مثال سیستم دولتی که مردم برای

روسا و مالکین خارجی کار میکنند ، جای خود را به تعاونیهای تولید

کنندگان و کمونهای خلقی خواهد داد . نظام آموزشی مدارس بساختن

و تربیت کردن کادر برای این نظام نوین تولیدی همت خواهد گذاشت .

دومین وظیفه ، تربیت مردم برای زندگی در جامعه ای

است که برابری اجتماعی کامل در آن رعایت میشود . نخبه گرائی

و تفاوتهای اجتماعی ، جای خود را به نظامی خواهد داد که در آن همه

مردم برای تحصیل ، کار و دستمزد مادی در مقابل کالاهائی که تولید

میکند ، دارای امکانات یکسانی خواهند بود . نظام آینده ، جامعه

کارگران کارخانه های مزارع و کشاورزانی خواهد بود که همه در برابر قانون

و دولت دارای حقوق مساویند . نظام آموزشی ایده های برابری و

عدالت اجتماعی را ترویج خواهد کرد .

سومین وظیفه اطمینان از شرکت همه مردم با اعتماد بنفوس و احترام بخود در موسسات جدید آموزشی است که تاسیس خواهد شد . شورای مدارس و نمایندگان محلی دولت که عهده دار اداره مدارس می باشند باید با انتخاب والدین و تحت نظارت و کنترل آنها بوده ، کاملاً زیر نفوذ دانش آموزان باشند . یک نظام دموکراتیک مبتنی بر نیرو و نظر خلق ما را از بندرها ساخته و مردم را در نظام آموزشی دخالت خواهد داد . بگونه ای که در این رهگذر بهترین کادرها تربیت شوند .

برای اینکه نظریات جدید درباره کارتولیدی ، برابری و مشارکت جدی در امور به نتیجه برسد ، باید مردم بتوانند بدون هیچ مانعتی از طرف امپریالیسم - دشمن همیشگی مردم آفریقا در این عصر ، خود را بسیج کنند ، نیروهای ستمگرو سرکوبگر امپریالیسم در کمین دولت جدید زیمبابوه نشسته اند . در این مورد آخرین و مهمترین وظیفه نظام آموزشی ، مقابله و خنثی کردن مداوم این نیروهاست . در هر جا که پدید آیند . برای دولت جدید این کار ساده ای نخواهد بود . هم اکنون بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از دانشگاه مستعمراتی سالیسبوری فارغ التحصیل شده اند و ۶۰۰۰ نفر دیگر هم در رشته های مختلف در آمریکا و انگلیس تحصیل کرده اند .

وظائفی که در بالا مختصراً بدان اشاره شد ، در جنگ‌رهای بخش شروع شده است . جنبش ، تولید مواد غذایی را تشویق کرده و طرح‌های متکی بخودگسترده ای را در مناطق مسکونی پناهندگان و هر جای دیگری که امکان داشته از آن جمله در پایگاه‌های سیاسی و نظامی به مرحله اجراء در آورده است . شاید شنیده باشید که در نوامبر ۱۹۷۷ - در بمباران شدید اردوگاه‌هایمان توسط دشمن در نزدیکی چیماپو (۱)

بسیاری از طرحهای متکی بر نیروی داخلی مابوسیله هواپیماهای دشمن از بین رفت . از آنجمله یک خوکدانی ، تعداد زیادی گله ، تراکتور پمپهای آب و کارگاههای مهندسی خلقی و چندین هزارهکتار کشتزار را مواد سمی همگی نابود شدند .

در مدارس ، دانشکده ها و موسساتی که تاسیس میشوند ، به تمام / ۶۵۰۰۰ خلق زیمبابوه که امروز در موزامبیک مقیم هستند ، آموزش داده خواهد شد . دختران و پسران جوان بمدارس ابتدائی و متوسطه ای میروند که از طرف حزب زبامک آژانسهای امدادساران لیل دریافت کرده و از امیک ایجاد شده اند . والدین در کلاسهای آموزش بزرگسالان شرکت کرده و آموزش سیاسی می بینند . کادرهای سیاسی - نظامی و اعضاء حزب در شبکه وسیعی از کمیته ها و سازمانهایی که اداره این مراکز آموزشی را بعهده دارند شرکت می کنند . با وجود اینکه مادر حال آموزش / ۱۱۵۰۰ شاگرد مدرسه و چندین هزار بزرگسال هستیم ولی ساختمان کافی و مناسب نداریم . اما علیرغم این ، اگر زمانی تصمیم گرفته شود آموزش مشخصی به گروهی خاص داده شود ، کار با حداقل وسائل و حداکثر سرعت شروع خواهد شد .

آموزش در دوره گذار

مطالب بالا ، شکل نظام آموزشی را که حکومت جبهه میهن پرستان در زیمبابوه پیاده خواهد کرد نشان میدهد . آموزش در دسترس توده های وسیع مردم و در خدمت تامین هر چه بیشتر منافع آنها قرار خواهد گرفت . تمام شهروندان بعنوان حق خودونه بعنوان فرصتی که از طرف کلیسا و یا بخشی از بورژوازی حاکمه به آنها اعطاء شده ، حق آموختن خواهند داشت . به موازات میراث آموزشی که از آن سخن رفت ، مطمئناً " هر نوع تبعیض و حق کشی نیز نابود خواهد شد . فرهنگ خلقی ، بدون توجه به مذهب ، نژاد ، رنگ ، تکامل خواهد یافت و فرهنگ و هنر مردم و تجربه شان را در مبارزه ، علیه استعمار منعکس

خواهد ساخت .

درهرحال باتوجه به موقعیت مهمی که آزادی زیمبابوه در سیاست جهانی داراست ، مادرانتظاریک گذارمشکل بدوران استقلال هستیم و انتظارنداریم که حکومت خلقی واقعی ونیزاستقلال کامل رانا قبل ازسال ۱۹۸۵ بدست آوریم . بررسی باصطلاح تشنج زدائی شماره ۳ که در مارس ۱۹۷۸ درسالیسبوری بسته شد ، نشان میدهد که آنچه در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ پیشنهادشد ، استقلال نیست . استراتژی که نیروهای دشمن بسادگی پذیرفته اند ، حاکی ازاین است که حدود یکسالپیش ازآنکه کنترل کامل کشورازطریق جنگ مسلحانه بدست ما بیفتد ، با " اعطای " استقلال پیروزی ماراخالی ازمحتواسازند .

هدف ازقراردادتشنج زدائی شماره ۲ ، این بودکه یک " نیروی حافظ صلح بین المللی " تحت کنترل انگلیس ایجادشود . درقراردادشماره ۱ در ۱۹۷۴ هدف کوتاه مدت تنهاایجادسردرگمی واغتشاش درصفوف مابود . ویژگی عمومی هرسه قرارداد ، تحلیل بردن مبارزه مسلحانه و شکست ماباوسائل سیاسی ، قانونی ودیپلماتیک است .

نیروهای دشمن می دانندکه قادربه شکست قدرت رشد یابنده زیبا^(۱) نیستند . چراکه ازپشتیبانی توده های مردم ونیز انگیزه ومعنویت والاتروحقانبیت ونیروی انسانی بسیاربرخورداراست . گرچه مابرتزی نظامی خودرابشوت رسانده ایم ، لیکن درزمینه های دیگرازچنین موقعیتی برخوردارنیستیم . دشمن ممکن است نیروهای خود رادرنواحی که امکان ضعف مابوجودداردمتمرکزسازد . پس ازشکست اجتناب ناپذیرکوششهای اخیرجهت " اعطای " استقلال به ررژیم

(۱) غیرقانونی ، دست نشانده و نژادپرست اسمیت به سیاست "زمین سوخته" و حملات نظامی بی درپی در ایالات وارد و گاه‌های پناهندگان متوسل خواهد شد . در هر صورت یک دولت خلقی در زیمبابوه باید خود را آماده مبارزه خشونت باری سازد که اکنون در داخل جمهوری آفریقای جنوبی در حال گسترش است . و بطور حتم آماج حملات نظامی ، خرابکاری اقتصادی و بی ثباتی سیاسی خواهد گشت .

"زانو" مسائل دشوار مرحله گذار ، و نیز مشکلاتی را که بعد از این دوره با آن روبرو خواهد بود از پیش تحلیل و بررسی نموده است . در طرح استراتژی متقابل خود بمنظور مقابله علیه دسیسه های امپریالیسم و عاملینش ، برنامه ۶ گسترده ای جهت آموزش بزرگسالان و نیز آموزش در سطح مدارس متوسطه و حرفه ای تدارک دیده است .

تمام مردم زیمبابوه ، مستقیماً در مبارزه آزادی بخش درگیر بوده و در انواع مختلف سواد آموزی بزرگسالان و نیز آموزش سیاسی شرکت می کنند . اما بعلت وجود مشکلات ، در چند سال ابتدای استقلال واقعی و دوره گذار ، این برنامه باید مرحله بمرحله به اجرا درآید . فراخوانی برای آموزش سیاسی بیشتر و تعلیم کادرهای ماهر در زمینه های تکنیکی در برنامه تعیین خط مشی تحت عنوان " برنامه آموزشی بزرگسالان " بتاريخ ۴ اوت ۱۹۷۷ بعمل آمده است که بخشی از آن - چنین است :

(۱) زمین سوخته " سیاست معروف و دد منشانه" امپریالیسم آمریکا است که تا بحال در چند نقطه جهان از جمله کشورهای آفریقائی و جنوب شرقی آسیا مورد اجرا گذاشته و جز موفقیت نسبی در تایلند در دیگر نقاط جهان جز شرمساری و زبونی حاصلی از آن نداشته است . بر طبق این سیاست مناطقی را که چریک در میان توده ها به آزادی ماهی در آب حرکت می کنند باید با خاک یکسان و با بمب به آتش کشید و آن عده ای را که از منطقه کوچ میکنند در " مناطق حفاظت شده " در میان سیم خاردار و سرنیز " نگهداری

" از آنجا که داشتن کادرهای تربیت شده در هر زمینه ضروریست و این پیش شرط لازم آزادی کامل زیمبابوه است باید فوراً" استراتژی متقابل خود را بویژه در زمینه تعلیمات حرفه ای و آموزشی آغاز کنیم ، باید بخواطر داشت که دشمن ما ، اسمیت / ۹۰۰۰۰ کارمند دولت تربیت کرده است . برای مراقبت با چنین رقمی که بیشتر آنها وجودشان تنها بعلت ماهیت استعمار گرانه رژیم فاشیستی و غیر قانونی ، ضروری است کاملاً " غیر لازم است . هر چند نباید باین ضرورت اساسی یعنی تربیت کادر در همه زمینه ها کم بهاء دهیم . این کادرها باید تجارب فوری و صحیح راهم در اردوگاهها و هم در مناطق آزاد شده ، در تمام زمینه هاب دست آورند "

بدرس گرفتن از تجارب آنگولا و موزامبیک در دوران گذار بخصوص ، خرابکاری اقتصادی که این دولتها بآن روبرو بوده اند و حملات نظامی مداوم به سراسر مرزهایشان ، نوشته مزبور بمنظور مقابله با آنها ، استراتژی متفاوتی را طرح کرده که مبتنی است بر تربیت کادرها در حوزه های اقتصادی و صنعتی آسیب پذیر مقابله با سیاست " زمین سوخته " و جلوگیری از حملات دشمن به تاسیساتی حیاتی که در معرض حملات مستقیم قرار دارند .

استراتژی متقابل بر این واقعیت استوار است که زیمبابوه ماهیتاً " کشوری است محاط در خشکی ، با اقتصادی صنعتی ، هر چند که یک حکومت جبهه میهن پرستان بجز ۱۲۵ مایل مرز مشترک با آفریقای جنوبی از جهات دیگر با دولت های دوست همجواریست .

در ۱۹۷۷ " زانو " موسسه زیمبابوه را تاسیس نمود . وظیفه این

موسسه کمک به اجرای برنامه های آموزشی بزرگسالان ، متوسطه و آموزش سیاسی در اردوگاههای داخل کشور و مناطق دیگر بود . این موسسه عنصر اساسی استراتژی متقابل است که قبلا " درباره آن صحبت شد و عهده دار تربیت نیروی انسانی در حد متوسط جهت ایفای خدمات ضروری حزب می باشد . در نواحی وسیعی که مردم زیمبابوه آنها را از یوغ دولت استعماری رها ساخته اند شروع به ایجاد نهادهای اداری ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی نموده است . همانطور که در بروشور بیان شده است هدف از تشکیل این موسسه دستیابی بموارد زیر است :

- ۱ - فراهم آوردن آموزش مناسب برای مردم زیمبابوه در جریان تاریخی ایجاد دولت آزاد ، مستقل ، سوسیالیست ، و دموکراتیک زیمبابوه .
 - ۲ - دست زدن به تحقیقات بنیادی برای جمع آوری واقعیت اساسی و اطلاعات آماری و علمی که بتواند از جانب برنامه ریزان بعنوان اساس کارشان مورد استفاده قرار گیرد .
 - ۳ - آغاز روند برنامه ریزی برای توسعه اقتصاد خودکفا و تغییر جامعه ما از سرمایه داری استعماری فعلی بیک سیستم اقتصادی اجتماعی سوسیالیستی .
- موسسه شامل یک دوره ابتدائی پنجساله است البته ما امیدواریم که ۲-۳ سال اول در خاک موزامبیک و سه سال بعدی در خاک زیمبابوه به اتمام رسد . " زانو " نیز موسسه مشابهی در زامبیا ترتیب داده است . در زیمبابوه ، ماهر دو موسسه راتحت یک پوشش قراردادده و یک موسسه متمرکز برای جهت دادن به برنامه های آموزشی ایجاد خواهیم کرد . ضمن آنکه یک سلسله برنامه های سریع و کوتاه را برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز در دوران سختی که در آن قدم

نهاده ایم ، آغاز کرده ایم . استراتژی متقابل برای آماده ساختن

واقعی ، استراتژی بلندمدت خواهد بود . هیچکس نباید ساده دلانه تصور کند که زدودن وازبین بردن ساختهای که حکومت سفیدان در آفریقای جنوبی بوجود آورده و نیز ساختهای سیاسی - حقوقی - نظامی و اقتصادی تقویت کننده آن کاری آسان و کوتاه مدت است ، زیرا این کاریست دشوار و طولانی .

نتیجه :

در این مقاله بارها شاهد اهمیت گنجاندن برنامه های آموزشی در مبارزه سیاسی بوده ایم . در کشور زیمبابوه ، " زانو " به تحکیم وحدتش با " زاپو " در جبهه میهن پرستان ارج بسیاری می نهد . در سال ۱۹۷۶ دست یابی به وحدت ، سنگ بنای مبارزه مابود . رهبران مابرای همبستگی ، میان جبهه میهن پرستان و دولت ها و جنبش های مترقی و جنبش های کشورهای خط اول جبهه ، سازمان وحدت آفریقا ، کشورهای سوسیالیست و کشورهای اسکاندیناوی ارزش بسیار قائلست . پشتیبانی این کشورها و جنبش ها ادامه مبارزه را در سطحی برای مامکن ساخت که بدون آن برای خود مابه تنهایی امکان پذیر نبود . از آنجا که مبارزه ما ویژگیهای مشخص خود را داراست بهر حال بخش کوچکی از مبارزه جهانی میلیونها نفر از مردم علیه امپریالیسم ، این دشمن همیشگی تمامی آزادگان دوران است .

۳۹۲۲۴

تهران پائیز ۱۳۵۸

قیمت ۲۵ ریال